

تاریخ شام

- رضا صفری
کارشناس ارشد تاریخ اسلامی، دانشگاه تهران
- قربان محمد باشام
کارشناس ارشد تاریخ، دانشگاه تهران



- تاریخ بلاد الشام اقتصادی فی العصر الاموی
- عاطف رحال
- بیروت، انتشارات بیسان، سال ۲۰۰۰

مقدمه:

شناخت حیات اقتصادی و اجتماعی شهرهای بزرگ جهان اسلام مقارن ظهور اسلام و دوران اسلامی، نقش بسیار مهم و تعیین کننده‌ای در بررسی تحولات سیاسی - اجتماعی آن مناطق دارد. از این رو، کم‌تر کتابی را می‌توان یافت که به‌طور مستقل و جدی بر پایه‌ی منابع اصلی به این مباحث پرداخته باشد. کتاب پیش روی خوانندگان، با نام تاریخ بلاد الشام اقتصادی فی العصر الاموی پژوهشی مستند راجع به تاریخ اقتصادی شام در دوران خلافت امویان است، که نویسنده آن عاطف رحال با جدیت تمام تلاش کرده است از لابه‌لای کتاب‌های جغرافیایی و تاریخی قرون نخستین اسلامی و با استفاده از تحقیقات غربی، به بررسی اوضاع اقتصادی، تجاری، زراعت و امور مالی این محدوده از قلمرو مهم جهان اسلام که در تحولات قرون اولیه تأثیرگذار بود، بپردازد.

این کتاب به صورت کلی جوانب حیات اقتصادی، اجتماعی، عصر اموی در بلاد شام را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد؛ عصری که یکی از مهم‌ترین ادوار تاریخ و تمدن این سرزمین به شمار می‌رود. برای ارائه تحلیل و تفسیر درست از اوضاع اقتصادی و اجتماعی شام در دوران خلافت امویان که دمشق مرکز خلافت بود، ضروری است که ما از تحولات اقتصادی و اجتماعی سرزمین شام قبل از اسلام هم آگاهی داشته باشیم؛ این نکته‌ی مهمی است که نویسنده کتاب هم بر آن واقف بوده و لذا بطور مفصل به این مسأله پرداخته است.

معرفی بخش‌های کتاب

بعد از شناسه، کتاب حاضر دربردارنده‌ی اهداء، پیش‌گفتار و یک مقدمه است. نویسنده کتاب، عاطف رحال در مقدمه و طی یک بحث بسیار گسترده و مفصل به بررسی وجه تسمیه شام، حدود جغرافیایی، طبیعت سرزمین شام، بیابان‌ها و ناهمواری‌ها و موقعیت جغرافیایی شام... پرداخته است.^۱

فصل اول: این فصل حجم زیادی از کتاب را به خود اختصاص داده است. نویسنده در این بخش اوضاع اقتصادی شام در دوران قبل از امویان را در بخش‌های کشاورزی، بازرگانی، صنعت و سیستم‌های مالی مورد بررسی قرار می‌دهد.

- **کشاورزی:** سرزمین شام قبل از اسلام یکی از مناطق مهم تابع امپراتوری بیزانس بود و رومیان در پایان قرن چهارم میلادی برای اداره‌ی شام آن را

برای بازار داخلی نبود بلکه به‌طور گسترده برای صادرات به بازارهای خارجی نیز تولید می‌شدند. به ویژه اینکه صنعت‌گران شام به مهارت و زیبایی هنرشان معروف شده بودند و کشورهای دیگر زیاد به کالاهای تولیدی آنان تمایل نشان می‌دادند. در نتیجه کالاهای صنعتی شام در چین، آفریقا، و ایتالیا و فرانسه عرضه می‌شد.^۱

سیستم‌های مالی: امپراطوری بیزانس در ایجاد سیستم‌های مالی‌اش به میراث اداری اصیل برگرفته از مقررات و قوانین مالیاتی دوره امپراطوری روم تکیه داشت.^۲ موارد مالیاتی که باید پرداخت می‌شد اصلاً ثابت نبود و برحسب شرایط و احوال و خواست‌های مالی دولت، به‌ویژه برای تأمین هزینه‌های زیاد جنگ‌های میان ایرانیان و بیزانس تغییر می‌کرد. سیاست مالیاتی دولت به صورت اساسی بر این اصل استوار بود که اگر افرادی نتوانستند مالیاتشان را پرداخت کنند، مسئولیت این کار برعهده جماعت محلی خواهد بود. اگرچه دولت بر احشام، کالاهای ... مالیات می‌بست، ولی به مالیات بر زمین تکیه داشت و این مالیات مهم‌ترین منبع درآمد مالی دولت بیزانس بود.^۳

فصل دوم: نویسنده در فصل دوم کتاب به بررسی اوضاع کشاورزی در دوره‌ی اموی می‌پردازد. در این بخش، مالکیت زمین‌های کشاورزی، سیاست کشاورزی حکومت (ایجاد تأسیسات بزرگ آبیاری و صیانت و پاک‌سازی آن‌ها و...) مورد بررسی قرار می‌گیرد. از جمله مباحث دیگری که در این فصل مطرح شده، منابع آبی زمین‌های کشاورزی و محصولاتی است که کشاورزان تولید می‌کنند. از آن‌جا که کشاورزان به‌صورت عمده به بارش‌های آسمانی تکیه دارند، لذا گندم و جو از محصولات مهم کشاورزی آن‌ها به حساب می‌آید و مناطق حمص و حوران و قسمت‌های شرق اردن از مهم‌ترین مراکز کشت غلات به حساب می‌آید.^۴

فصل سوم: شام به حکم موقعیتش حلقه‌ی ارتباطی میان شرق و غرب محسوب می‌شد و بلاد شام از طریق شبکه‌ی وسیعی از راه‌های خشکی و دریایی با کشورهای متمدن در سه قاره‌ی آسیا، اروپا و آفریقا مرتبط می‌شد. با این حال نمود رشد تجاری تمام شهرهای بلاد شام را در برنمی‌گرفت. شهرهای ساحلی شام به علت فشار حملات دریایی بیزانس از لحاظ تجارت افت کردند. شکوفایی تجارت بازارهای داخلی در برخی شهرهای شام در اصل به اهمیت موقعیت جغرافیایی‌شان و فراهم بودن شبکه‌ای از راه‌های مواصلاتی مهم برمی‌گردد.^۵ از مراکز مهم تجاری شام در دوره اموی می‌توان به دمشق، حلب، رصافه، حمص، ابله، اشاره کرد. در این میان عامل اصلی که از دمشق یک مرکز تجاری مهم ساخت، شرایط سیاسی جدیدی بود که در عصر اسلامی ایجاد گردید.

در بُعد تجارت خارجی هم باید گفت که شام از طریق دو پایگاه رقه و بلس در کنار فرات با شرق تجارت می‌کرد.^۶ در این دوره علاوه بر رونق تجارت شام با مراکز واقع در سواحل دریای سرخ، با هند و با مراکز تجاری در ایران و ماروالنهر به درجه عظیمی از شکوفایی رسید. حرکت تجاری میان شام و جزیره العرب، به خصوص در موسم حج فعال و شکوفا بود، همچنین ارتباط تجاری شام با مصر و آفریقا در نهایت شکوفایی و رونق بود.

فصل چهارم: حکام اموی در دوره‌های مختلف از توجه و اهتمام نسبت به امور صنعت و تشویق به بالا بردن سطح تولید و پیشرفت آن دریغ نکردند، چراکه شام کانون و مرکز حکومت آنان محسوب می‌شد. امویان به منظور حفظ صنعت شام، گمرک‌هایی ایجاد کردند که در مقابل ورود

به چند استان تقسیم کردند.^۷ با وجود منابع متعدد ثروت در شام، اقتصاد این سرزمین به صورت عمده بر کشاورزی متکی بود. نویسنده در ادامه از چهار نوع مالکیت زمین نام می‌برد که به ترتیب زمین‌های وسیع و حاصل‌خیز از آن ۱- شخص امپراتور، ۲- طبقه‌ی اشراف، ۳- املاک کلیسا و ۴- سرانجام زمین‌های کوچک فردی که کشاورزان آزاد آن‌ها را در اختیار داشتند.^۸ با این حال امپراتور در بسیاری مواقع، قسمتی از زمین‌های خود را به نظامیان در قبال فعالیت‌هایی که انجام می‌دادند واگذار می‌کرد، این همان نوع از واگذاری زمین است که بعدها در دوره‌ی اسلامی آن را با نام **تیول** یا **اقطاع** می‌شناسیم.^۹ البته زمین‌ها برای کسب درآمد از سوی دستگاه حکومتی به مردان آزاد هم واگذار می‌گردید که عموماً حالت وراثتی نداشت. زمین‌هایی هم به کلیسا با عنوان هبه و بخشش واگذار می‌گردید. نویسنده در بخش دیگر بطور مفصل به بررسی منابع آبی و سیستم‌های آبیاری و محصولات کشاورزی می‌پردازد.

بازرگانی: بازرگانی یکی از منابع مهم ثروت و تکیه‌گاه اساسی در حیات اقتصادی شام بوده است. شام نقش پیش‌رو در بازرگانی جهان داشت و توانسته بود بر تجارت دریای مدیترانه در عصر بیزانس و دوره‌ی پیش از آن سیطره یابد.^{۱۰} درحقیقت موقعیت جغرافیایی شام - که در قلب شرق نزدیک و میان سه قاره‌ی اروپا و آسیا و آفریقا قرار داشت - آن را پلی میان شرق و غرب و مرکز استراتژیک مهمی در داشتن تأثیرات مختلف و سهولت ارتباط با دیگران و در فعالیت و تبادل تجاری انواع کالا قرار داده بود.^{۱۱} نویسنده علاوه بر موقعیت جغرافیایی ممتاز شام، عوامل دیگری را نیز در رشد و شکوفایی بازرگانی آن تأثیرگذار می‌داند از جمله: نقش فعالی که دولت بیزانس با گسترش نفوذ سیاسی و افزایش سیطره‌اش بر حوزه دریای مدیترانه و فراهم آوردن زمینه‌ی مساعد برای ساکنان شام در امر توسعه فعالیت‌های تجاری، ایفا می‌کرد.

عامل دیگر، مرغوبیت پول طلای امپراتوری بیزانس بود؛ که نقش فعالی در تعاملات تجاری داشته است به طوری که دینار بیزانس نزد تجار شرق از دیگر پول‌ها برتر بوده است.^{۱۲} نویسنده در بخش دیگری به مهم‌ترین شهرهای تجاری شام از جمله انطاکیه (پایتخت بلاد شام در عصر بیزانس)، بیروت، طرابلس، به ویژه غزه که کالاهایی از بلاد روم و مصر و از بندرهای شهرهای ساحلی لبنان و انطاکیه به آن‌جا وارد می‌شد و کاروان‌های تجاری حجاز که برای خرید کالاهایشان به غزه می‌آمدند، اشاره می‌کند.

نکته‌ای که در بعد تجارت خارجی امپراتوری بیزانس (شام) با شرق مهم به نظر می‌رسد، نقش واسطه‌ای ایران عصر ساسانی است. از این رو تجار شام برای تجارت با شرق مجبور بودند تا با طرف‌های ایرانی برای صدور کالاهایشان به شرق عقد و پیمان‌هایی ببندند که از این راه دولت ساسانی سوده‌های هنگفتی به دست می‌آورد. از سوی دیگر تیرگی روابط، دشمنی و جنگ میان بیزانس و ایران روابط تجاری شام با شرق را پیوسته در معرض تهدید و توقف قرار می‌داد در نتیجه تجار شام زبان‌های زیادی را متحمل می‌شدند. گرچه امپراتوری بیزانس سعی کرد با استفاده از راه دریایی دریای سرخ نقش واسطه‌ای ایران در تجارت بین شرق و غرب را قطع کند اما این اقدام هرگز به نتیجه نرسید.^{۱۳}

صنعت: صنعت در سرزمین شام سابقه دیرینه‌ای داشته و در مرحله آخر از دوره امپراتوری بیزانس در بلاد شام به درجه بالایی از رشد و تحول رسید. و مانند بقیه شاخه‌های اصلی تولید جایگاه مهمی را اشغال کرد. محصولات صنعتی اصلی که شام تولید می‌کرد در ابزارهای رفاه و آسایش طبقه ثروتمندان، طبقه اشراف، و امرا و روسای کلیسا جلوه‌گر می‌شد. تولیدات صنعتی شام تنها

نویسنده با نگاه دقیق تمام داده‌های تاریخی و جغرافیایی و حتی اطلاعات موجود به زبان لاتین را در این باره گردآوری کرده است، از این رو کتاب از لحاظ داده‌های تاریخی اثری جامع و ارزشمند است

تاریخ شام

۴- عشر: مالیاتی است که از محصولات گرفته می‌شود و مقدار آن از محصولات دیمی، یک دهم و از کشت آبی یک بیستم بوده است.^{۳۱} نظام‌های گردآوری مالیات‌ها، پول رایج در دوره اموی در شام، و عربی کردن پول در دوره خلافت عبدالملک بن مروان از جمله مباحث دیگر این فصل به شمار می‌رود.

جمع بندی و تحلیل نهایی: کتاب تاریخ بلاد الشام اقتصادی فی العصر الاموی در نوع خود کتاب بی‌نظیری است، که به صورت مستقل به بررسی اوضاع اقتصادی شام پرداخته است. چراکه شناخت اوضاع اقتصادی عامل مهمی در آگاهی و سپس تحلیل جریان‌های سیاسی و انقلابات در جوامع است. نویسنده در یک بررسی جامع، اوضاع اقتصادی شام را از دوره تسلط امپراطوری بیزانس تا دوران خلافت بنی‌امیه، بررسی کرده است. نویسنده با نگاه دقیق تمام داده‌های تاریخی و جغرافیایی و حتی اطلاعات موجود به زبان لاتین را در این باره گردآوری کرده است، از این رو کتاب از لحاظ داده‌های تاریخی اثری جامع و ارزشمند است. این اثر یک پژوهش مستقل در حوزه اقتصادی شام است لذا برای کسانی که به بررسی اوضاع سیاسی و اجتماعی دوران خلافت بنی‌امیه و تأثیرات جریانات حاکم بر دمشق و تأثیرگذاری آن بر سایر نقاط جهان اسلام می‌پردازند، می‌تواند مفید باشد. با این حال نکات دیگری نیز وجود دارد که باید مورد توجه قرار گیرد:

۱- اول این که نویسنده صرفاً بدنبال اطلاعاتی درباره‌ی اوضاع اقتصادی شام با فاکتورهای مشخص از جمله صنعت، کشاورزی، بازرگانی و... بوده و لذا فقط اطلاعات را جمع‌آوری کرده و به بررسی و تأثیرگذاری شرایط اقتصادی حاکم بر جریانات دیگر نپرداخته است.

۲- سبک و نگارش نویسنده توصیفی است و در کتاب معمولاً کمتر شاهد تحلیل داده‌های تاریخی هستیم.

۳- نویسنده در بررسی شاخه‌های مختلف اقتصادی شام، تمام مباحث را از دیدگاه خلافت دیده است. برای مثال: رشد بازرگانی، اوضاع کارگران، وضعیت خوب اقتصاد شام و... درحالی که دمشق مرکز خلافت بود و لذا گروه‌های مختلفی با اهداف و آرمان‌های خاص وارد آن می‌شدند تا از شرایط و موقعیت‌های موجود استفاده کنند و می‌توانستند بر شرایط اقتصادی شام تأثیر بگذارند. نویسنده این امر را نادیده گرفته است.

۴- نویسنده در بررسی نظام‌های مالی دولت اموی به انواع مالیات‌ها و روش‌های کسب درآمد پرداخته است؛ با این حال گویا فراموش کرده که مصادره‌ی اموال حکام و والیان روش مهم به دست آوردن اموال برای خلافت بوده و بارها در طول حاکمیت بنی‌امیه اتفاق افتاده است.

کالاهای خارجی از صنعت داخلی حمایت کنند. و این اقدامات در عمل هم بر پیشرفت صنایع داخلی کمک کرد. به‌طور کلی صنعت شام در دوره‌ی امویان توانست به پیشرفت و شکوفایی برسد و آن دوران طلایی‌اش را که در عصر بیزانس به آن دست یافته بود اعاده کند.

از جمله صنایع موجود در شام می‌توان به: بافندگی، رنگرزی، شیشه، سفال، کاشی‌کاری و سنگ مرمر و صدف، درودگری، روغن‌سازی و صابون و عطر اشاره کرد.

نویسنده در بخش دیگری از این فصل نظام‌های کارگری را مورد بحث قرار داده است. به‌طور کلی طبقه‌ی کارگران در شام از افراد و بردگان تشکیل می‌شد که نیروهای اصلی تولید در کشور بودند. نویسنده در بررسی نظام‌های کارگری در شام به‌طور مفصل به بررسی اوضاع اجتماعی و اقتصادی موالی در شام و از سوی دیگر به راه‌های دست یافتن به بردگان و قیمت‌گذاری آن‌ها و نیز به موارد و جاهای مورد استفاده آن‌ها اشاره می‌کند. از آن‌جا که عرب‌ها در آغاز به خاطر مشغول بودن به امور حکومت، جنگ و جهاد از پرداختن به حرفه‌ها دور بودند، اهل ذمه به‌مثابه نیروهای اصلی تولید در زمینه‌های مختلف کار، عنصر اساسی در زندگی اقتصادی بلاد شام در عصر اموی بودند^{۱۵} و همراه موالی اکثریت صاحبان حرف و صنایع در بلاد شام بودند^{۱۶}.

فصل پنجم، نظام‌های مالی: در این فصل قبل از آن که به مالیات‌های اصلی که در عصر اموی اعمال می‌شد، پرداخته شود به‌طور ایجاز به نظام مالیات‌های اسلامی که مشتمل بر تمام انواع مالیات‌های شرعی معین از لحاظ نظری از قبل فقها است پرداخته است. از جمله این موارد می‌توان به فیء، خمس، زکات و صدقه اشاره کرد. علاوه بر این‌ها، مالیات‌های دیگری نیز بود که حکومت خود اعمال می‌کرد. از جمله:

۱- **خراج:** خراج مالیاتی بود که بر زمین‌ها بسته می‌شد و کشاورز مسلمان و غیرمسلمان در مقابل استفاده از یک قطعه زمین خاص که به دست مسلمانان افتاده بود، باید مقداری معین پرداخت می‌کردند^{۱۷}. خراج به سه طریق اعمال می‌شد: الف) خراج بر مساحت زمین زراعی، ب) خراج بر مساحت زمین زراعت شده، ج) خراج بر اساس مقاسمه (یعنی با گرفتن نسبت معینی از محصول)^{۱۸}

۲- **جزیه:** مالیاتی که از تمام اهل ذمه (اهل کتاب) در عوض زندگی در جامعه‌ی اسلامی و حفظ آیین خود به دولت اسلامی پرداخت می‌شد^{۱۹}.

۳- **مکس:** مالیاتی است که از تاجران گرفته می‌شد، مکس برای عرب از زمان جاهلیت آشنا بود و پادشاهان عرب و عجم یک دهم (عشر) بر تاجران که به کشور آن‌ها وارد می‌شدند و نیز فروشندگان کالاها در بازارها وضع می‌کردند. اما اسلام این نوع از مالیات را حرام نمود^{۲۰}.

۱۱. بلیایف. ی. ا. پیشین، ص ۲۸.
12. Asthor.E: **Histoire des prix et de salaires dans L,orient medieval.** Paris 1969.p 83
13. Lammens.H: **LA Syria précis historique,troisieme edition** ,Dar Lahd Kater ,Beyrouth 1994.pp182,185
۱۴. هایدیه. ف: **تاریخ التجاره فی السرق الادنی فی العصور الوسطی**، ترجمه احمد محمدرضا، ۴ اجزاء، هیئته المصریه العالمه للکتاب ۱۹۸۵، ج ۱، ص ۵۹.
15. Boulos.J: **Les peuples et les civilisation du proche orient,essai d,une histoire compare des origins a nos jours.**5 volume, Beyrouth, Dar Aouad 1987.p237
۱۶. الدوری، عبدالعزیز: **مقدمه فی التاریخ الاقتصادي العربی**، الطبعة الرابعه، بیروت، الطلیعه للنشر، ۱۹۸۲، ص ۴۳.
۱۷. خراج در اصطلاح عبارت است از مالیاتی که از اموال مردم دریافت می‌شد و به قولی مالیاتی است که از زمین‌های صلح اخذ می‌گردید و یا مالیاتی که بایستی اهل ذمه می‌پرداختند. ولی معنای اخص خراج، مالیات ارضی است که از عین محصول زمین یا قیمت آن، به حسب تشخیص حکومت اسلامی دریافت می‌شود. (نگاه کنیده: خسروی، خسرو؛ **نظام‌های بهره‌برداری از زمین در ایران**، تهران، انتشارات پیام، ۱۳۵۲، ص ۳۳.
۱۸. الماوردی، ابوالحسن علی بن محمد بن حبیب: **الاحکام السلطانیه و الولايات الدینیة**، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۹۷۸، ص ۱۴۹.
۱۹. این نوع مالیات به‌طور دقیق و سازمان‌یافته از زمان عمر بن خطاب رایج شد. وی پس از فتوحات مسلمانان و تسلط بر سرزمین‌های اطراف شبه جزیره عربستان، جزیه را بر اهل کتاب مقرر کرد که مشمولان آن می‌بایست هر سال دو دینار به دولت اسلامی می‌پرداختند. البته زنان و کودکان و پیران از کارافتاده و ظاهراً افراد خنثی و مجنون نیز از پرداخت آن معاف بودند (نگاه کنیده به: الخوارزمی، محمد بن احمد بن یوسف؛ **مفاتیح العلوم**، بیروت، دارالکتب العلمیه، بی تا، ص ۴۰).
۲۰. میزان دریافت این مالیات مشخص نیست، اما میزان آن هرچه بوده، با قیمت کالا رابطه داشته و با افزایش قیمت آن افزوده می‌شده است. مگس در اصل به معنای نقص و کاستی و کاهش قیمت در معامله است. مگس به معنی ظلم نیز به کار رفته است. مگس توسط عشار و یا مگس که دریافت‌کنندگان این مالیات برای شاه بودند، گرفته می‌شد. (نگاه کنیده به: **تاج العروس**، ج ۴، ص ۲۴۹. و لسان العرب ج ۶ ص ۲۲۰. ابن قیم الجوزی، ابوعبدالله محمد بن ابی بکر، **احکام اهل الذمه**، تحقیق طه عبدالرؤف سعد، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۹۹۵، ج ۱، ص ۱۲۶).
۲۱. عشرگونه‌ی دیگری از مالیات بر زمین بود که مالکان آن به میزان یک دهم محصول زمین خود را به دولت می‌پرداختند و تفاوت آن با خراج، اولاً: در میزان و مبلغ آن بوده، ثانیاً: آن که خراج بر زمین‌های خراجی، اعم از این که کاشته شوند یا بدون کشت باقی بمانند، تعلق می‌گرفت، ولی عشر تنها شامل زمین‌های کشت‌شده می‌شد، ثالثاً: میزان پرداختی دارندگان اراضی خراجی به نصف همه درآمدها بالغ می‌شد، درحالی که صاحبان اراضی عسری فقط یک دهم آن را می‌پرداختند، رابعاً: دولت در مورد اراضی خراج قدرت بیشتری داشت و می‌توانست آن‌ها را بگیرد و به دیگری واگذار کند، اما اراضی عشر همان‌گونه که ذکر شد، عبارت‌اند از اراضی‌ای که مسلمانان احیا کرده یا مالکان آن‌ها به میل خود اسلام آورده بودند و نیز اراضی‌ای که پس از فتح میان جنگاوران تقسیم می‌شد (نگاه کنیده به: خوارزمی، همان، ص ۶۱؛ ماوردی، همان، ص ۱۷۲. ابوعبید، قاسم بن سلام: **الاموال**، الطبعة الاولى، بیروت، مؤسسه ناصر للثقافه، ۱۹۸۱، ص ۱۹۳، ۱۹۵).
۲۲. نگاه کنیده به: جرجی زیدان، **تاریخ تمدن اسلام**، ترجمه و نگارش علی جواهرکلام، تهران، امیرکبیر، ۱۳۳۳، ص ۱۴۷ و محمدعلی بن طباطبای، ابن ططقی، **تاریخ فخری**، ترجمه محمدرحید گلپایگانی، علمی و فرهنگی، چاپ سوم، تهران، ج ۴، ص ۶۹۳.

۵. نویسنده از تلاطم نظام‌های مالیاتی خلفا در دوره‌ی اموی سخن می‌گوید، درحالی که با به قدرت رسیدن امویان، اگرچه شکل کلی سازمان مالی عهد خلفای راشدین حفظ شد، ولی سیاست مالی امویان تفاوت فاحشی با آن دوره پیدا کرد. این سیاست را معاویه، بنیان‌گذار سلسله‌ی اموی در پیش گرفت و جانشینان او نیز آن را دنبال نمودند. معاویه پس از آن که آرامش را در قلمرو خود برقرار کرد، به دستگاه مالی توجه خاصی نشان داد و درصدد تقویت بنیه‌ی مالی خود برآمد و به پیروی از سلاطین گذشته، در راه افزایش درآمد گام برداشت و برخلاف روش پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) و خلفای راشدین، همت خود را صرف امور دنیوی نمود^{۲۲} و برای استحکام پایه‌های سلطنت خود، به رشوه و بذل و بخشش روی آورد، زیرا او می‌دانست که مردم یا دست کم هم‌مسئله‌کنانش تا چه اندازه بنده زر و زور هستند. بنابراین، نیاز به درآمد فراوان داشت که برای به دست آوردن آن، سیاست مالی مختلفی را اتخاذ کرد.

۶. در طول دوران خلافت بنی‌امیه، شاهد سیاست‌ها و رویکردهای مختلف حاکمان در ابعاد مختلف از جمله اقتصادی در جهان اسلام هستیم. برای مثال: اوضاع و شرایط حاکم بر اقتصاد در دوره‌ی سلیمان و بعد عمر بن عبدالعزیز با دوره‌های قبل و بعد قابل مقایسه نیست. آن‌چه در این بخش از دید نویسنده پنهان مانده است، تأثیر سیاست‌های خلفایی چون عمر بن عبدالعزیز بر انواع مالیات‌ها، واگذاری زمین‌ها و مصادره‌ی اموال اشراف است. با توجه به موارد ذکر شده، بار دیگر باید متذکر شد از آنجاکه اثر حاضر جزو اولین آثار است که به صورت روشمند و با تکیه به منابع اصلی نگارش یافته است، اثر ارزشمندی است که برای علاقمندان به شناخت اوضاع اقتصادی جهان اسلام، مخصوصاً دانشجویان تاریخ می‌تواند مفید باشد.

پی‌نوشت:

۱. برای اطلاعات بیشتر در این باره نگاه کنیده به: مسعودی؛ ابوالحسن علی بن الحسین، **مروج الذهب و معادن الجواهر**، ج ۲، مصر، منشورات مکتبه التجاری الکبری، ۱۹۶۴، ص ۷۰، و شیخ البریه (شمس الدین دمشقی): **نخبه الدهر فی عجایب البرو البحر**، بیروت، داراحیاء التراث العربی، الطبعة الاولى ۱۹۸۸، ص ۲۵۸.
۲. حتی، فیلیب: **تاریخ سوریا و لبنان و فلسطین**، ترجمه الدكتور جورج حداد و عبدالکریم رافق، بیروت، دارالثقافه، ۱۹۸۲، ص ۳۸۹.
۳. بلیایف. ی. ا. **العرب و الاسلام و الخلافة العربیه**، ترجمه الدكتور انیس فریحه و مراجعه الدكتور محمد زاید، بیروت، الدارالمتحدہ للنشر، ۱۹۷۳، ص ۱۷.
۴. فتحی، عثمان: **الحدود الاسلامیه البین‌نطیه بین الاحکام الحربی و الاتصال الحضاری**، ج ۳، القاهرة، الدار القومیة للطباعة و النشر، بی تا، ص ۱۰۷.
- 5 -Asthor.E: **Histoire des prix et de salaires dans L,orient medieval.** Paris 1969.p 321
۶. حتی، فیلیب؛ پیشین، ج ۱، ص ۳۸۵.
۷. رنیسمان، ستیفن: **الحضاره البین‌نطیه**، ترجمه عبدالعزیز توفیق جاوید، القاهرة، مکتبه النهضة المصریه، ۱۹۶۱، ص ۱۶۷.
۸. اسد، رستم: **الروم فی سیاستهم و حضارتهم و دینهم و ثقافتهم و صلاتهم بالعرب**، الطبعة الثانیة، بیروت، منشورات المکتبه البولیسیه، ۱۹۸۸، ص ۱۸۸، ۱۹۰، ۱۸۹، ۲۲۳، ۲۲۴.
۹. دیسو، رینیه: **العرب فی سوریا قبل الاسلام**، ترجمه عبد الحمید الدواخلی، نشرته لجنه التألیف و الترجمة و النشر، ۱۹۵۹، ص ۳.
10. Guillou.A: **La civilization Byzantine** ,Paris1990. pp285,286